

تحقیقی پیرامون

عنوان مقاله: «تأثیر کودک ناشنوا بر روی خانواده»

ارائه دهنده: محمد مجید اوریادی زنجانی دانشجوی دوره سوم گفتار درمانی
دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی زیر نظر آقای خسرو گورابی

هدف تحقیق:

بدون شک وجود هر گونه معلولیت یا نقصی در هر یک از اعضای خانواده، تأثیراتی را بر روی سایر اعضاء خانواده و روابط حاکم بر خانواده خواهد گذاشت، حال اگر این معلولیت در کودک یک خانواده باشد، بیشترین تأثیر منفی را بر روی آن خانواده خواهد داشت.

«کم شنوایی» یکی از نقایصی است که وجود آن مخصوصاً در کودک، پیامد های منفی بسیاری را در یک خانواده به دنبال خواهد داشت. هدف از این مقاله در درجه اول نیز بررسی تأثیرات ناشی از وجود کودک ناشنوا بر روی خانواده ها می باشد.

در کل مجموعه افرادی را که در تشکیل یک خانواده شرکت دارند را می توان به ۳ گروه تقسیم نمود که عبارتند از:

(۱) والدین (پدر و مادر)

(۲) فرزندان دیگر خانواده

(۳) بستگان نزدیک خانواده (پدر بزرگ و مادر بزرگ)

بالتبع تأثیرات ناشی از معلولیت را باید بر روی همه این افراد مورد بررسی قرار داد، بنابراین در این تحقیق هر ۳ گروه فوق مد نظر قرار داده شد.

همچنین بعنوان یک هدف فرعی: بررسی این مسئله که تا چه میزان مطالبی که اکثر سئوالات مربوط به تحقیق با توجه به آنها مطرح شده،^(۱) در مور خانواده های ایرانی

(۱) - بری طرح سئوالات از کتاب «آیا کودک شما نمی تواند بشنود؟» ترجمه «حانم طاهره محمد پور» استفاده شده است.

شرح تحقیق:

برای انجام این تحقیق از روش «پرسشنامه‌ای» استفاده شد. برای این منظور پرسشنامه‌ای متشکل از ۱۳ سؤال با پاسخهای انتخابی تنظیم گردید. (پیوست ۱) سؤالات به گونه‌ای مطرح شد که هر سه گروه مذکور را در بر می‌گرفت. برای انجام تحقیق، یکی از مهمترین مراکز توانبخشی تهران، یعنی «مرکز توانبخشی شهدای جلالی پور» در نظر گرفته شد که این مرکز دارای بخش مربوط به «آموزش و توانبخشی ناشنوایان» می‌باشد.

در زمان اجرای این تحقیق، ۳۵ خانواده در این مرکز از خدمات آموزشی و مشاوره‌ای مربوط به کودکان ناشنوا بهره می‌بردند و تحقیق بر روی خانواده‌ها صورت گرفت. محدوده سنی کودکان این خانواده‌ها، ۱ سال و ۸ ماه الی ۵ سال و ۳ ماه بود.

نتایج:

بر طبق نتایج حاصله از این تحقیق، در کل تأثیرات ممکنه ناشی از وجود کودک ناشنوا در خانواده، بصورت زیر می‌باشد:

۱) ایجاد احساس ناراحتی (غصه و غم و بیچارگی)، احساس گناه، احساس ناامیدی و احساس خشم در والدین بویژه مادر.

در این میان «احساس ناراحتی» بیشترین شیوع را دارا می‌باشد که این مسئله پیش‌آگهی خوبی دارد چون نسبت به سایر احساسات مذکور، راحتتر قابل کنترل است.

۲) ایجاد تأثیرات بدو نامطلوب بر روی روابط والدین، بصورت جزئی البته خوشبختانه این مسئله شیوع کمی دارد و در اکثر مواقع وجود کودک ناشنوا تأثیر خاصی بر روی روابط بین والدین نداشته است.

۳) ایجاد تفکرات منفی ذیل در والدین بویژه مادر:

- آرزوی اینکه ای کاش کودک ناشنوای من هرگز به دنیا نمی‌آمد.

- احساس گناه از اینکه کودک من ناشنوا است.

- احساس تأسف برای کودک ناشنوا.

البته خوشبختانه شیوع مورد اول از دو مورد دیگر به مراتب کمتر است.

- ۴) ایجاد وابستگی بیشتر نسبت به کودک ناشنوا در والدین در اکثر موارد
- ۵) ایجاد این اعتقاد که کودک خیلی کم قادر به درک والدین است.
این مسئله باعث می شود که در تربیت و پرورش کودک اختلال ایجاد شود و در نتیجه کودک به میزان کافی و در حد توان خود رشد و تکامل حاصل نکند.
- البته میزان شیوع این اعتقاد در والدین (بویژه مادر) از اعتقاد به اینکه کودک ناشنوا کاملاً مانند یک کودک شنوا والدین را درک می نماید، کمتر بوده و تقریباً نصف آن است.
- ۶) عدم پذیرش استفاده از سمعک از سوی والدین:
این مسئله می تواند باعث اختلاف نظر بین والدین شود و اگر این مشکل رفع نشود، ممکن است باعث اختلافات شدید خانوادگی گردد. البته خوشبختانه اگر والدین استفاده از سمعک را توسط کودکان می پذیرند.
- ۷) ایجاد اختلاف نظر بین والدین بر سه مسئله تربیت و پرورش کودک ناشنوا آنها.
با این وجود اکثر والدین در مورد تعلیم و تربیت کودک ناشنوایشان هم عقیده اند.
- ۸) بذل توجه بیشتر از سوی والدین نسبت به کودک ناشنوا در خانواده
این مسئله موجب تأثیرات غیر مستقیم بر روی خواهران و برادران کودک ناشنوا (سایر فرزندان) می شود.
- ۹) وجود گذشت و فداکاری مکرر از سوی خواهران و برادران کودک ناشنوا.
این مسئله می تواند ناشی از توجه بیشتر خانواده (والدین) به کودک ناشنوا باشد و سایر فرزندان می کوشند تا از این طریق توجه والدین را بسوی خود جلب نمایند.
- ۱۰) ایجاد این تفکر در ذهن سایر فرزندان خانواده که: «ای کاش آنها هم ناشنوا بودند!» البته درصد شیوع آن بسیار پایین است ولی بهر صورت ناشی از توجه بیشتر والدین به کودک ناشنوا است.
- ۱۱) عدم پذیرش ناشنوایی کودک و انکار آن توسط اقوام نزدیک خانواده.
این مسئله باعث می شود که فشارهای عاطفی و روحی بر والدین وارد می شود. البته در بیشتر موارد، خانواده شوهر و زن این مسئله را می پذیرند و در قبول آن به پدر و مادر کمک می کنند.

۱۲) مسئول دانستن والدین در ایجاد معلولیت در کودک ناشنوا و انداختن گناه آن به گردن والدین توسط اقوام نزدیک.

البته این مسئله شیوع پایینی دارد ولی با این وجود، این مسائل می تواند فشار روحی - روانی مضاعفی را بر والدین بویژه مادر وارد سازد.

۱۳) عدم تمایل به بچه دار شدن از سوی مادران بدلیل ترس از ناشنوا شدن فرزند بعدی.

بعنوان نتایج فرعی بدست آمده از این تحقیق موارد ذیل حائز اهمیت می باشد:

۱۴) در میان این ۳۵ خانواده کودک ناشنوا حاصل ازدواج فامیلی بوده است و این مسئله می تواند مؤید و روشنگر اهمیت و ضرورت انجام مشاورات ژنتیکی قبل از ازدواج باشد.

۱۵) بعلت پیامدهای منفی ناشی از وجود کودک ناشنوا و ایجاد اختلافاتی که در امر تربیت و پرورش کودک ناشنوا در خانواده ایجاد می شود و بدلیل اینکه این مسائل می تواند بنیاد خانواده را متزلزل و نابسامان سازد، اهمیت و نقش تعیین کننده مشاوره و آموزش خانواده و توانبخشی کودک ناشنوا بیش از پیش روشن و آشکار می گردد. چون با مشاوره می توان از بروز اینگونه پیامدهای منفی در این خانواده ها پیشگیری نمود و مسائل موجود را از میان برد.

تحقیقی که صورت گرفته، به هیچ وجه عاری از اشکال نیست و بعلت تعداد نسبتاً محدود خانواده هایی که مورد تحقیق قرار گرفتند شاید نتوان نتایج حاصله از آن را به کل جامعه تعمیم داد، با این وجود، این تحقیق می تواند پایه و زیر بنایی برای تحقیقات بیشتر و گسترده تری در این زمینه باشد.

با امید به اینکه توانسته باشیم قدمی هر چند کوچک بسوی شناخت هر چه بیشتر مشکلات خانواده های دارای کودک ناشنوا و رفع این مشکلات، بردارم.

انشاء الله ...